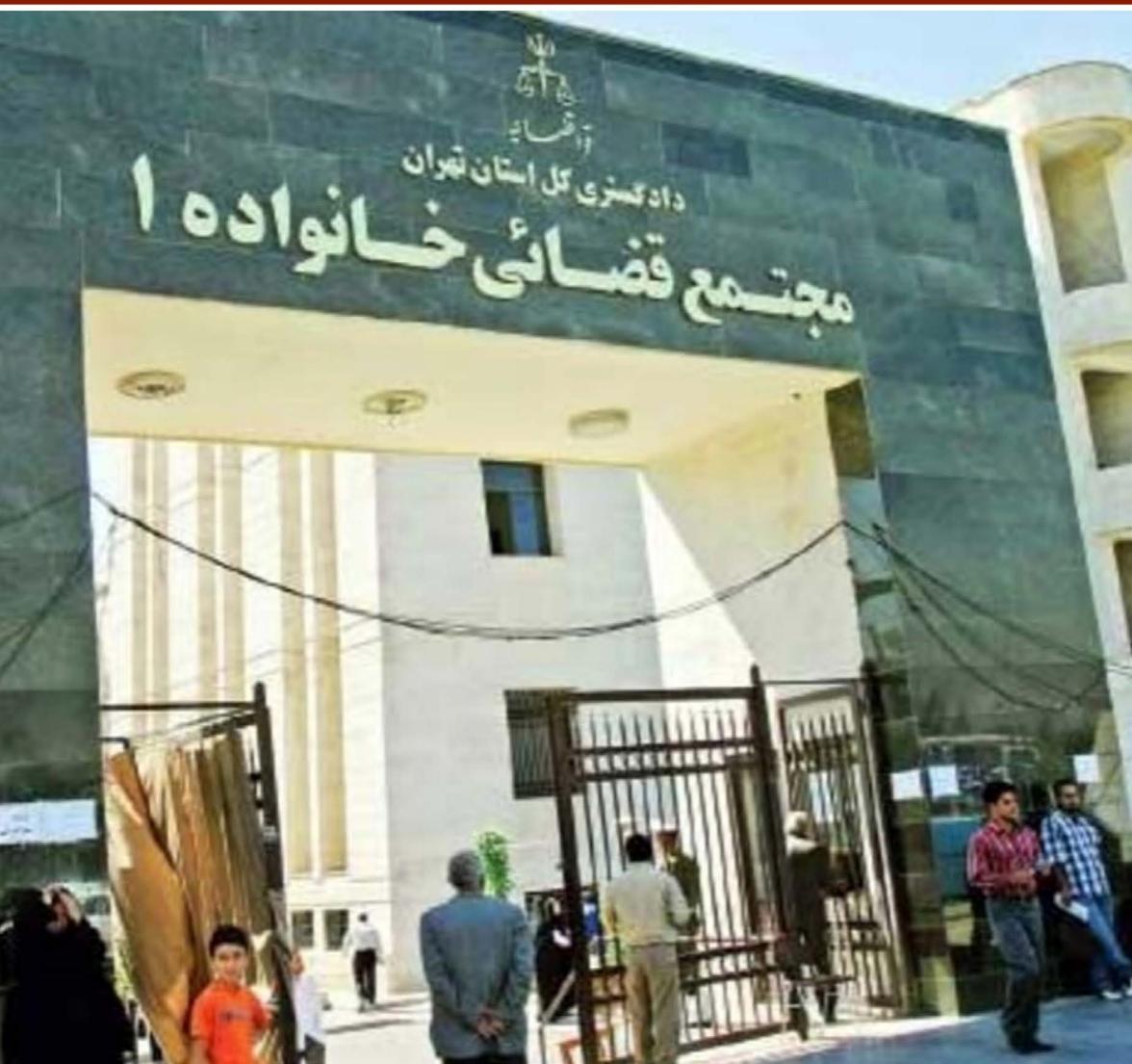


# حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

سال دهم، شماره ۲۳ / ۲۴۷ / مهر ۱۴۰۴ / ۱۵ اکتبر ۲۰۲۵

خسونت خانگه



## در این شماره می‌خوانید:

- خشونت خانگی؛ خشونتی از سوی آشنا برای قربانی
- خشونت خانگی و نهادهای مسوول رسیدگی به پرونده‌ها
- خشونت خانگی و حمایت‌های قانونی موجود
- خشونت خانگی؛ قربانیان خاموش، خلأهای قانونی
- خشونت خانگی در ایران؛ خانه ناامن، قانون مبهم

ما از عدالت سهمی داریم  
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم  
سر دبیر این شماره: مریم غفوری  
تحریریه: نقی محمودی، علی‌اصغر فریدی و سیروان منصور

صفحه‌بندی: ماهور خوش‌قدم  
تماس با مجله: [mail@iranhr.net](mailto:mail@iranhr.net)

### حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه‌نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است  
و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.



نقی محمودی

کردن، سوزاندن، پرتاب اشیاء یا دیگر حملات فیزیکی.  
خشونت جنسی: اجبار به انجام رفتارهای جنسی، تجاوز جنسی.  
خشونت روانی/عاطفی، ایجاد ترس، تحقیر، انتقاد مداوم، انزوای دوستان.  
خشونت مالی: کنترل بر پول، وابستگی اقتصادی، امتناع از منابع.  
خشونت پیوسته و نقض حدود و حوزه‌ی خصوصی: تعقیب ناخواسته، تماس مداوم، محدودسازی آزادی، محدودیت بر ارتباطات اجتماعی و خانوادگی، کنترل بر آزادی حرکت، ارتباطات، دسترسی به اطلاعات. نظارت دیجیتال: شنود، دست‌برد در پیام‌ها، ردیابی موقعیت‌ها.

### ویژگی‌های اصلی:

نسبت قدرت و وابستگی: خشونت اغلب برای کنترل دیگری استفاده می‌شود.  
گرایش به تکرار: الگوهای خشونت با گذر زمان پایدار می‌شوند.  
کاهش گزارش‌دهی: قربانیان به دلیل شرمساری یا ترس از انگ زدن کمتر از خشونت گزارش می‌کنند.  
پیامدها: جراحات، اضطراب، سوء مصرف مواد، قطع روابط، مشکلات در محل کار.  
روش‌های حمایت حقوقی: گزارش کیفری برای ضرب و جرح، تهدیدها یا تعقیب؛ اقدامات حقوقی مدنی مانند دستور موقت توقف، منع حضور یا تماس؛ در صورت نیاز، ترتیبات نفقه یا دارایی.

خشونت خانگی نسبت به مردان:

معمولاً وقتی از خشونت خانگی بحث می‌شود اولین چیزی که به ذهن متبادر می‌شود خشونت نسبت به

خشونت خانگی به خشونتی اطلاق می‌شود که به صورت اتفاقی یا بین دو غریبه رخ نمی‌دهد بلکه در محیط خصوصی یا خانوادگی صورت می‌گیرد و به یک یا چند نفر آسیب می‌رساند. خشونت می‌تواند فیزیکی، روانی/عاطفی، جنسی، اقتصادی یا دیجیتال باشد. این نوع خشونت می‌تواند به طور مستقیم ظهور مادی پیدا کند و یا از خشونت کلامی و عاطفی به خشونت مادی برسد.

موسسه ملی بهداشت روان در سال ۱۹۹۲ خشونت خانوادگی را چنین تعریف می‌کند: «اعمالی که به طور فیزیکی یا هیجانی مضر هستند یا به صورت بالقوه منجر به آسیب بدنی می‌شوند؛ همچنین شامل زورگویی یا تجاوز جنسی، تهدید بدنی، تهدید به کشتن یا آسیب رساندن، محدود نمودن فعالیت‌های عادی، سلب اختیار و محرومیت از دسترسی به منابع» شوند.

خشونت خانگی به عنوان خشونت شریک جنسی، همسرآزاری و آزار خانگی نیز شناخته می‌شود. خشونت خانگی به‌طور عمده به چهار دسته زیر تقسیم می‌شود:

- ۱- خشونت خانگی علیه زنان
- ۲- خشونت خانگی علیه مردان
- ۳- خشونت خانگی علیه کودکان
- ۴- خشونت خانگی علیه پیران

### اشکال معمول:

خشونت جسمانی: ضربه زدن، لگد زدن، خفه

## خشونت خانگی؛ خشونت از سوی آشنا برای قربانی



زنان یا کودکان است در حالی که خشونت نسبت به هم مردان آمار نسبتاً گسترده‌ای را شامل می‌شود. بنابراین مردان نیز قربانی خشونت خانگی از سوی همسران خود می‌شوند. بر اساس آماري که در بریتانیا ارائه شده، از هر سه قربانی خشونت خانگی، دو نفر زن و یک نفر مرد هستند. بر این اساس، برخی فعالان معتقدند برای مقابله موثرتر با معضل خشونت خانگی و جنسی باید از آن جنسیت‌زدایی کرد.

### نکات در زمان خطر فوری:

تهیه برنامه امنیتی (محل، مسیر خروج، مسیرهای فرار، تماس‌های مهم)، ارتباط امن (بررسی رمزعبورها، بررسی دستگاه‌ها از نفوذ)، حفظ ارتباط با افراد قابل اعتماد. علائم هشداردهنده که باید جدی گرفته شوند: تهدیدها، ارباب، کنترل پول یا رسانه‌ها، تحقیرهای مکرر، انزوا از دوستان/خانواده.

رجوع به مراکز مشاوره ملی، پلیس در مواقع فوری، دادگاه‌های خانوادگی یا دادگاه‌های مدنی، مشاوره NGO برای قربانیان خشونت؛ البته پیدا کردن مراکز مخصوص مردان ممکن است بستگی به منطقه داشته باشد.

### تأثیر خشونت خانگی بر خردسالان:

در صورتی که خردسالان خود مستقیماً در معرض خشونت خانگی قرار گیرند یا در معرض خشونت یکی از والدین به دیگری قرار بگیرند در هر دو حالت اثرات این خشونت به مثابه زخمی ماندگار در ذهن و روحشان لانه می‌کند.

کودک‌آزاری عبارت است از هر گونه بدرفتاری فیزیکی یا عاطفی، سواستفاده جنسی، غفلت یا رفتار همراه با بی‌توجهی یا استثمار تجاری یا سایر انواع استثمار، که منجر به آسیب واقعی یا احتمالی به سلامت، بقا، رشد یا کرامت کودک در زمینه روابط یا مسئولیت، اعتماد یا قدرت شود (تعریف سازمان جهانی بهداشت).

برخی از این آثار می‌تواند مخفی باشد. ممانعت از حاضر شدن در کلاس درس، محروم کردن او از غذا، حبس کردن، مثل حبس در حمام یا زیرزمین

پيامدها: آسیب‌های جسمی، اختلال استرس پس از ضربه، افسردگی، اضطراب، سوء مصرف مواد مخدر و روانگردان‌ها، قطع روابط، مشکلات در محل کار.

امکان‌های حمایتی قانونی: شکایت کیفری برای ضرب و جرح، تهدیدها یا تعقیب؛ اقدامات حقوقی مدنی مانند دستور موقت توقف، منع حضور یا تماس؛ در صورت نیاز مسائل نفقه یا دارایی.

امکانات کمکی: شماره‌های اضطراری، خانه‌های امن زنان در برخی از کشورها، غالباً برای زنان

نمونه کودک آزاری است. تنبیه بدنی و تجاوز جنسی به کودک هم از انواع کودک آزاری فیزیکی است. وزارت کشور ایران و شریک پژوهشی آن، با مشارکت معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ایران است.

### خشونت خانگی علیه سالخوردهگان:

این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ۶۶٪ زنان در ایران از اول زندگی مشترکشان تا کنون، دست‌کم یکبار مورد خشونت قرار گرفته‌اند. با این حال میزان و انواع خشونت در استان‌های کشور تفاوت‌های معناداری دارند. در این پژوهش ۲۵ مورد خشونت خانگی طبقه‌بندی شده که در این طبقه‌بندی خشونت روانی و کلامی رتبه نخست و خشونت جنسی رتبه آخر را به خود اختصاص داده است. البته آمار پایین خشونت جنسی، مربوط به هنجارهای عرفی و حتی شرعی درباره اظهار خشونت‌های جنسی در جامعه و فرهنگ ایرانی است. عدم حمایت از قربانیان و عدم مجازات عواملان خشونت جنسی، زنان را به خودسانسوری وا می‌دارد و آمار درستی از میزان واقعی آن در دسترس نیست.

### مشکلات حافظه (مانند زوال عقل)

یک بیماری روانی کم‌توانی جسمی دارای افسردگی، تنهایی یا عدم حمایت اجتماعی مصرف بی‌رویهی الکل یا مواد دیگر داروهایی مصرف می‌کنند که قضاوت را مختل می‌کند

از نظر کلامی یا جسمی با مراقبت‌کننده مبارزه می‌کنند داشتن سابقه جنایی

### آمار خشونت خانگی علیه زنان در ایران:

در یک دهه اخیر پژوهش‌های فراوانی در مورد خشونت خانگی انجام شده که آخرین آن در سال ۱۳۸۳ در گزارشی ۳۲ جلدی و هر جلد بیش از ۲۰۰ صفحه به پایان رسیده و ۲۸ استان کشور بررسی شده‌اند. کارفرمای این طرح دفتر امور اجتماعی

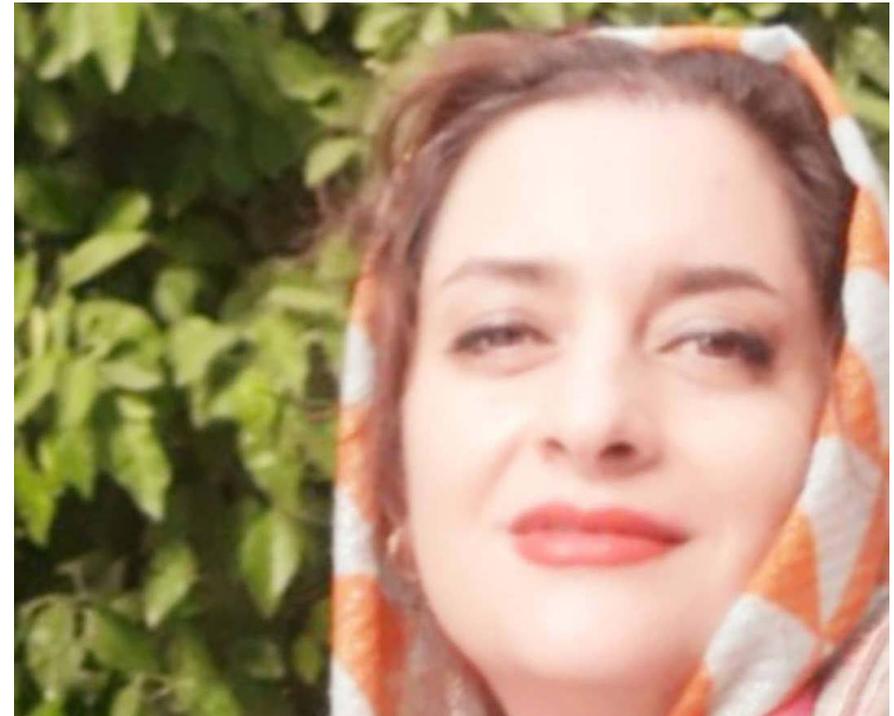
وزارت کشور ایران و شریک پژوهشی آن، با مشارکت معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ایران است. این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ۶۶٪ زنان در ایران از اول زندگی مشترکشان تا کنون، دست‌کم یکبار مورد خشونت قرار گرفته‌اند. با این حال میزان و انواع خشونت در استان‌های کشور تفاوت‌های معناداری دارند. در این پژوهش ۲۵ مورد خشونت خانگی طبقه‌بندی شده که در این طبقه‌بندی خشونت روانی و کلامی رتبه نخست و خشونت جنسی رتبه آخر را به خود اختصاص داده است. البته آمار پایین خشونت جنسی، مربوط به هنجارهای عرفی و حتی شرعی درباره اظهار خشونت‌های جنسی در جامعه و فرهنگ ایرانی است. عدم حمایت از قربانیان و عدم مجازات عواملان خشونت جنسی، زنان را به خودسانسوری وا می‌دارد و آمار درستی از میزان واقعی آن در دسترس نیست.

رئیس انجمن روان‌پزشکان ایران گفت: ۲۰ درصد زنان ایرانی متحمل خشونت فیزیکی و ۵۰ تا ۶۰ درصد آن‌ها تجربه خشونت کلامی را داشته‌اند.

قوانین مربوط به خشونت خانگی: متأسفانه در ایران، قوانین خاصی برای حمایت از قربانیان خشونت خانگی تدوین و تصویب نشده است و موارد خشونت صرفاً از طریق قانون مجازات اسلامی و قانون آئین دادرسی کیفری قابل شکایت است، در حالی که چنین قانونی مثلاً در کشور همسایه‌ی ایران (افغانستان) در سال هزار و سیصد و هشتاد و هشت به تصویب رسیده بود؛ گرچه با آمدن طالبان شرایط تغییر کرد.

قانون مذکور به منظور دفاع و اعاده‌ی حیثیت برای زن افغانستان پس از سال‌ها جنگ و مشقت از طرف دولت افغانستان به تصویب رسیده بود.

## خشونت خانگی و نهادهای مسوول رسیدگی به پرونده‌ها



گفت‌وگو کرده است.



سیروان منصوری

## تعریف قانونی خشونت خانگی در قوانین ایران چیست و چه مصادیقی را در بر می‌گیرد؟

قانونگذار در ایران به طور واضح به تعریف خشونت خانگی نپرداخته است، اگرچه ما شاهد تدوین قوانینی در این زمینه هستیم، اما در قوانین مربوطه با خلاء وجودی یک تعریف کامل و جامع که منحصر به خشونت خانگی بپردازد، مواجهیم. اما اگر بخواهیم با تفسیر از مواد قانونی به یک تعریف نسبی برسیم، باید اینگونه بگوییم که خشونت خانگی به هرآنچه که باعث نقض حقوق قانونی و رسیدن آسیب و خطر به یکی از اعضای خانواده در محیطی خصوصی به نام خانه و در ارتباط با مناسبات خانوادگی باشد، اطلاق می‌شود.

خشونت خانگی اختصاص به خشونت فیزیکی ندارد و شامل انواع گوناگونی اعم از فیزیکی، روانی، جنسی، کلامی و مادی می‌شود. به عنوان نمونه، حق انسان بر تمامیت جسمانی‌اش، که اگر به این حق قانونی خللی وارد آید، در تعریف خشونت خانگی فیزیکی قرار می‌گیرد. خشونت خانگی همان گونه که از نامش پیداست، یعنی هر نوع رفتار تند، خشن و به عنفی که در خانه برای عضو از اعضاء به وجود می‌آید.

پس خشونت خانگی فقط شامل خشونت فیزیکی نیست و جنبه‌های روانی، اقتصادی

نام خشونت خانگی ذهن انسان را ناخواسته به سمت جنسیت منحرف می‌کند و انتظار ما خشونت خانگی به سمت و سوی ورود آسیب به جنس مونث معطوف می‌شود، حال آنکه خشونت خانگی تعریفی فرا و ورای جنسیت دارد و این معضل نه‌چندان غریب اجتماعی، تمام انسان‌ها را فارغ از گرایش و جنسیت در بر می‌گیرد. کما اینکه ما شاهد گسترش خشونت‌های خانگی علیه مردها نیز در دهه‌های معاصر بوده و هستیم.

بنابراین بحق است که به قوانین مرتبط با این پدیده انسانی بی‌مرزبندی جنسی بپردازیم. از دیرباز و با ظهور تمدن بشری، همیشه خانه مامنی برای اعضای آن بوده است، حال اگر به این امنیت به واسطه هر نوع رفتار غیرانسانی، خدشه‌ای وارد شود، قانون موظف است به عنوان نهاد حامی حقوق شهروندان تحت حمایتش، حد و مرزهای حقوقی تعیین کند و مانع از ارتکاب و تکرار جرایم تعریف‌شده بشود.

مجله حقوق ما، در رابطه با موضوع خشونت خانگی، مصادیق و جنبه‌های مختلف آن و نهادهای مسئول رسیدگی به این پرونده‌ها و قوانین حمایتی در این زمینه، با بهاره خدابخش سامانی وکیل دادگستری،

**و جنسی را هم در بر می‌گیرد.**

بله، خشونت خانگی، هر نوعی از خشونت را در بر می‌گیرد. هست که متاسفانه گاه‌ها منجر به آسیب‌های جدی

خشونت اقتصادی، که در واقع به تحت فشار قرار دادن یکی از اعضای خانه از لحاظ مادی و مالی گفته می‌شود. هم توسط قانونگذار و تحت قوانین کیفری تعریف شده است و دارای مجازات‌های تعریف شده‌ای نیز می‌باشند.

یا خشونت جنسی، که بعضاً از مصادیق بارز تجاوز هست و متاسفانه اکثر قریب به اتفاق مردم گمان

می‌کنند تعریف تجاوز فقط مختص به روابط غیررسمی و غیرشرعی است. در حالی که اینگونه

نیست و تجاوز در روابط زناشویی رسمیت یافته هم ممکن است اتفاق بیفتد و به واقع، همان عدم تمایل

یک طرف به رابطه جنسی و اجبار و زور از سمت دیگر رابطه و یا حتی رفتارهای نامتعارف جنسی گاهی

به معنای واقعی کلمه تجاوز محسوب می‌شود. بنا بر این، این اتفاق مشمول روابط شکل گرفته در

چهارچوب‌های قانونی هم می‌شود. با این تعاریف، پرونده و تعقیب متهم و صدور رای و نهایتاً احقاق

درمی‌یابیم که قانونی بودن روابط، نمی‌تواند مجوزی برای اعمال رفتارهای خشونت‌آمیز جنسی باشد و

خشونت‌هایی از این نوع نیز می‌توانند دارای عناوین مجرمانه و تحت پیگرد قانونی قرار بگیرند.

خشونت کلامی یا آزار قربانی به واسطه کلام و بیان، که این نیز نمونه‌ای از خشونت خانگی محسوب

می‌شود. تحقیر کردن قربانی از طریق الفاظ و یا فحاشی و ناسزاگویی، از نمونه‌های بارز خشونت

کلامی است که قانونگذار، بعضی از این رفتارها را جرم‌انگاری کرده و برای آنها مجازات در نظر گرفته

است.

خشونت فیزیکی که در حقیقت ضرب و جرحی

و یا حتی مرگ نیز می‌شود که این نوع از خشونت

هم توسط قانونگذار و تحت قوانین کیفری تعریف شده است و دارای مجازات‌های تعریف شده‌ای نیز می‌باشند.

**چه نهادهایی در ایران، مسئول رسیدگی به پرونده‌های خشونت خانگی هستند و حمایت‌های موجود در قانون در این زمینه، به چه صورت است؟**

مهم‌ترین نهاد رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با خشونت خانگی، نهاد قوه قضاییه و ساز و کارهای

مربوط به آن مثل دادگاه‌ها هستند که دادگاه‌ها نقش اساسی‌ای در این زمینه ایفا می‌کنند. رسیدگی

به شکایات مربوط به خشونت‌های خانگی و پیگیری پرونده و تعقیب متهم و صدور رای و نهایتاً احقاق

حق، از وظایف ذاتی این مراجع می‌باشد، زیرا که در اصل این قوه قضاییه است که می‌تواند بیشترین

تاثیر را در جلوه‌گری عدالت و حق طلبی داشته باشد.

در کنار این ساختار قضایی، نهادهای دیگری هم داریم از جمله: اورژانس اجتماعی (۱۲۳) که هدفش

به طور اختصاصی حمایت از آسیب‌دیدگان خشونت خانگی و پیگیری اتفاقات رخ داده در این رابطه

است. دیگری سازمان بهزیستی است که نهادهای زیرمجموعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است

که خدماتی را به این قبیل موضوعات ارایه می‌دهد. بر اساس ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی که بیان می‌دارد: همچنین، مراکز مشاوره خانواده که در زمینه

روابط خانوادگی به صورت تخصصی مشاوره انجام می‌دهند. نهادهای نامبرده، جز تاسیسات حمایتگر

می‌باشند. منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن

به منزل مزبور معذور است، نفقه بر عهده شوهر خواهد بود. به عبارتی، اگر زنی در منزل مشترک با

همسر خود مورد ضرر جانی، مالی یا شرافتی قرار گیرد، می‌تواند خانه همسر خود را ترک کند، بدون

اینکه ناشزه (زنی که وظایف زناشویی‌اش را بدون عذر شرعی یا قانونی انجام نمی‌دهد) محسوب شود

درآورده باشد. برای بعضی از جرایم، تعریف قانونی تحت عنوان شروع به جرم داریم، اما آن نیز تعریف

مختص به خودش را دارد و با توجه به شرایط خاص و قانونی می‌شود به آن عنوان مجرمانه‌ای اطلاق

کرد. یکی از این قوانین، قانون حمایت خانواده است که به طور خاص به حمایت از کانون خانواده پرداخته

است و در واقع چتری است از جنس قانون، که بر سر خانه و خانواده گسترده شده است.

آیا قانون خاص و مستقلی در ایران، برای مقابله با خشونت خانگی وجود دارد؟

در ایران ما قوانینی برای حمایت از قربانیان خشونت خانگی داریم که بعضاً شاید به صراحت از خشونت خانگی نامی نیاورده‌اند، اما در سایه این قوانین

می‌شود به این معضل نه چندان نوظهور رسیدگی شود.

بر اساس ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی که بیان می‌دارد: اگر بودن زن با شوهر در یک منزل، متضمن خوف ضرر بدنی و یا مالی یا شرافتی برای زن باشد، زن می‌تواند مسکن علی‌حده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور، محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن

به منزل مزبور معذور است، نفقه بر عهده شوهر خواهد بود. به عبارتی، اگر زنی در منزل مشترک با همسر خود مورد ضرر جانی، مالی یا شرافتی قرار گیرد، می‌تواند خانه همسر خود را ترک کند، بدون اینکه ناشزه (زنی که وظایف زناشویی‌اش را بدون عذر شرعی یا قانونی انجام نمی‌دهد) محسوب شود (نشوز)؛ در مقابل، مرد نیز موظف است که همچنان نفقه زن خود را بپردازد.

همچنین مطابق ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی که می‌گوید: در صورتی که دوام زوجیت، موجب عسر و حرج زوجه باشد، وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند. چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد، زوجه به اذن حاکم شرع، طلاق داده می‌شود.

## خشونت خانگی و حمایت‌های قانونی موجود



### سیروان منصوری

دریافت شود و این امر مانند مهریه می‌باشد، چرا که به اجرا گذاشتن مهریه نیز می‌تواند بدون طلاق از سمت زوجه مورد درخواست قرار گیرد که زوجه با طرح و ارایه دادخواست مهریه، نفقه و اجرت‌المثل را همراه با طلاق می‌تواند درخواست کند. بنابراین، پذیرش و بررسی موضوع و در نهایت صدور رای در این امر، از طرف دادگاه ممنوعیت قانونی ندارد. اجرت‌المثل از سوی زوجه، یعنی وی به جهت کارهایی که در منزل شوهر، خارج از وظایف شرعی و قانونی خود انجام داده است، تقاضای حق الزحمه و دستمزد دارد و مستند به تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی الحاقی مورخ ۱۳۸۱/۰۵/۰۹، در صورتی که به قصد تبرع نباشد، می‌تواند مورد درخواست زوجه قرار گیرد، به شرطی که عدم تبرع آن برای دادگاه ثابت شود و دادگاه اجرت‌المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم نماید که علاوه بر ماده قانونی فوق، ماده ۲۹ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ و رای وحدت‌رویه شماره ۷۷۹ مورخه ۱۳۹۸/۰۵/۱۵ که بر همین اساس اجرت‌المثل ایام زوجیت بر پایه تبصره ماده ۳۳۶ تعیین می‌شود که ربطی به نحوه رفتار زوجه ندارد.

برای بررسی جایگاه نفقه نیز باید به مواد ۱۱۰۲ الی ۱۱۱۶ قانون مدنی و مواد ۴، ۱۲، ۴۷ و ۵۳ قانون حمایت از خانواده مراجعه نمود که نفقه زوجه، ارتباطی با وضعیت مالی زوجه نداشته و در هر حال به صورت متعارف باید پرداخت شود که نوع و میزان آن به صورت حصری و محدود در قانون مشخص نشده است، بنابراین این امر به صورت جداگانه از طلاق، قابلیت مطرح شدن در دادگاه را دارد.

خشونت‌های خانگی می‌تواند انواع مختلفی را شامل شود و دارای ابعاد و مصادیق مختلف می‌باشد که شامل مواردی مانند همسرآزاری، کودک‌آزاری و سالمندآزاری می‌باشد که هر کدام دارای روند خاص خود است. خشونت‌های خانگی می‌تواند شامل خشونت‌های جسمی و روانی باشد که متأسفانه حتی در صورت حمایت تمام و کمال قانونگذار و جلوگیری از اعمال و اجرای خشونت خانگی و حمایت از افرادی که مشمول این وضعیت قرار گرفته‌اند، خشونت روانی این افراد چندان مورد توجه قرار نگرفته است و حمایت خاصی نیز در این زمینه لااقل به صورت صریح مشاهده نمی‌شود. با این حال، رویه قضایی دادگاه‌ها در حال حاضر به سوی توجه به این بخش از موضوع هم در حال شکل‌گیری است.

مجله حقوق ما، در رابطه با موضوع خشونت خانگی، حمایت‌های قانونی از قربانی خشونت، مواد قانونی این امر و وجوه مختلف آن، با دکتر زهرا وهبی وکیل دادگستری و مدرس دانشگاه، گفت‌وگو کرده است.

### آیا فرد قربانی خشونت خانگی می‌تواند بدون طلاق، نفقه یا اجرت‌المثل دریافت کند؟

باید به این امر توجه نمود که قربانی هرگونه خشونت در امور خانوادگی صرفاً زوجه نبوده و متأسفانه در حال حاضر زوج نیز مورد خشونت قرار می‌گیرد. با این حال، با توجه به سوال مطروحه، این امر شامل زوجه است. نفقه و یا اجرت‌المثل، می‌تواند بدون طلاق

در چه شرایطی دادگاه می‌تواند حضانت فرزند را از فرد مرتکب خشونت سلب کند؟ حضانت در لغت به معنای پروراندن و در اصطلاح به معنای نگهداری مادی و معنوی طفلی به وسیله کسانی است که قانونگذار مقرر داشته است که با توجه به نص قانونی حضانت مخصوص ابویین و اقرباء طفل، در شرایطی می‌باشد. اهمیت این امر در مواد ۱۱۶۸، ۱۱۷۳ و ۱۱۷۴ قانون مدنی مطرح شده است که شامل مصادیقی همچون عدم مراقبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادر، اعتیاد بیش از حد به مشروبات الکلی، مواد مخدر و قمار، سرشناس و معروف بودن در فساد اخلاقی و فحشاء، ابتلا به بیماری روانی با تشخیص پزشکی قانونی، اقدام به ضرب و جرح خارج از عرف، سوءاستفاده از فرزندان و یا اجبار آنها به ورود به مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد و فحشاء، تکدی‌گری، قاچاق و غیره است.

در این امر، می‌توان به مواد ۴۰ و ۴۱ قانون حمایت از خانواده نیز مراجعه نمود. خشونت می‌تواند ناشی از علل متعددی مانند انحطاط اخلاقی، اعتیاد بیش از حد به مشروبات الکلی و مواد مخدر باشد که تأثیر زیادی بر نوع و شیوه بروز رفتار فرد در زندگی اعضای خانواده و یا دوستان خود دارد که البته مصادیق خشونت‌های متعدد در خانواده بیشتر مشاهده می‌شود و می‌تواند از موارد سلب حضانت باشد. البته با توجه به عدم فرهنگ مناسب در سطح جامعه، خشونت‌های خانگی چندان گزارش نشده است و پیگیری نیز در حالت عادی و قبل از طلاق، عملاً صورت نمی‌گیرد، مگر در خانواده‌هایی که عدم خشونت و برخورد مناسب با اعضای خانواده، نهادینه شده است.

**در صورت عدم تمکین زن به دلیل خشونت شوهر، آیا مرد می‌تواند تقاضای ازدواج مجدد بدهد؟**

بر اساس بند ۱۲ سند ازدواج و موارد مطروحه در قانون مدنی، رعایت شرایط خاص و عرف موجود این امر، عرفاً و یا قانوناً نمی‌تواند دلیلی برای تقاضای ازدواج مجدد برای شوهر باشد، چرا که جز شرایط ۹گانه موجود در قانون مدنی که عملاً تجویز ازدواج مجدد را ارایه داده است، نیست. با وجودی که عدم تمکین زن از شوهر در حالت عادی از جمله موارد تجویز ازدواج مجدد برای شوهر می‌باشد، ولی اگر زن بتواند عسر و حرج خود را که به معنای عدم امکان ادامه زندگی مشترک برای زن می‌باشد، به قدری که تحمل آن برای وی دشوار بوده را ثابت نماید، در این صورت زن می‌تواند با اثبات عسر و حرج خود، در دادگاه بدون رضایت همسر درخواست طلاق دهد.

با توجه به آنچه که بیان شد، می‌توان مصادیقی از رفتار شوهر که منتهی به عسر و حرج برای زن می‌شود را شامل مواردی مانند اعتیاد به مواد مخدر یا مشروبات الکلی، ترک زندگی مشترک توسط مرد، محکومیت قطعی مرد به حبس، بیماری صعب‌العلاج مرد، استنکاف مرد از پرداخت نفقه و همچنین سوءرفتار مرد دانست که مواردی مانند ضرب و شتم، فحاشی، تحقیر و آزار و اذیت روحی و روانی نیز از موارد مربوط به آن است که از این طریق زن می‌تواند درخواست طلاق خود را به دادگاه ارایه دهد. بنابراین به نظر می‌رسد که عدم تمکین زن به واسطه خشونت خانگی ناشی از رفتار مرد، نمی‌تواند زمینه، دلیل و یا تجویزی برای مرد جهت ازدواج مجدد وی باشد.

**آیا قوانینی برای حمایت از مردان قربانی خشونت خانگی وجود دارد؟**

در قانون ایران، عملاً هیچ حمایت یا قانون ویژه‌ای که صرفاً برای حمایت از مردان قربانی خشونت تدوین و اجرایی شده باشد وجود ندارد. برخلاف آنچه که در قوانین متعدد، جدای از اجرای کامل و یا حمایت و عدم حمایت از زنان صورت می‌گیرد (قانون مدنی، قانون حمایت از خانواده و همچنین لایحه کرامت و امنیت زنان در برابر خشونت که سال ۱۳۹۰ در مجلس مطرح و در نهایت در تاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۱ به دلیل و استدال تغییرات زیاد استرداد شد). با این حال حمایت از مردان را تنها می‌توان بر اساس قوانین عمومی موجود پیگیری و درخواست نمود، در حالی که مرد نیز می‌تواند چه به صورت فیزیکی و چه روانی، مانند زوجه مورد خشونت قرار گیرد.

بنابراین شکایت مرد از زن می‌تواند مواردی را که مصداق عنوان مجرمانه می باشد را شامل شود مانند: ضرب و جرح عمدی (ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات) توهین یا تهدید (مواد ۶۰۸ و ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات). چرا که خشونت جنسی یا تعرض، تحت عنوان تعزیرات مورد پیگیری قرار می‌گیرد، بنابراین در صورتی که مردی مورد خشونت و آسیب فیزیکی یا روانی قرار گیرد، می‌تواند با ارایه مدرک مانند گزارش پزشکی قانونی یا شهادت شهود، به مراجع قضایی مرتبط مراجعه نماید. فقدان حمایت اختصاصی از مردان در دنیای کنونی، می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری را ایجاد کند بنابراین قانونی برای مردان قربانی خشونت خانگی به شکل هدفمند و خاص تصویب نشده است.

**چه اصلاحات قانونی برای حمایت موثرتر از قربانیان خشونت خانگی پیشنهاد شده است یا در دست بررسی است؟**

در حال حاضر، در ایران چند پیشنهاد و لایحه حقوقی مهم مانند «لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» وجود دارد که همچنان این امر به تصویب مجلس نرسیده است و پس از بیش از چهارده سال، همچنان بلاتکلیف مانده است. پیشنهاد راه‌اندازی سامانه واحد که برخی از نمایندگان مجلس مانند خانم زهرا خدادادی و سایر همکاران وی ارایه داده‌اند و تأکید بر آن دارد که برای رسیدگی موثر به خشونت خانگی، نیازمند یک سامانه یکپارچه هستیم تا دستگاه‌های قضایی، بهزیستی و اورژانس اجتماعی با همراهی کامل نیروی انتظامی به صورت هماهنگ در مصادیق مرتبط با موضوعات مطروحه وارد عمل شوند.

البته نیازمند گسترش خانه‌های امن که مورد حمایت قانونگذار به طور واقعی باشد، نیز هستیم. در این زمینه، پیشنهاداتی در باب اصلاحات قضایی در جرم‌انگاری قتل‌های خانوادگی نیز می‌تواند موثر باشد که البته بسیاری از حقوقدانان با توجه به فقه شیعه با این امر موافق نیستند. با این حال، جرم‌انگاری قتل‌های خانوادگی می‌تواند از ایجاد مشکلات جدید جلوگیری نماید. به عنوان نمونه، در ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی که صحبت از معافیت پدر پس از قتل فرزند دارد، این امر را با توجه به ساختارمند شدن جامعه، می‌توان تغییر داد و حتی جرم‌انگاری قتل خانوادگی به صورت ویژه، می‌تواند مد نظر قرار گرفته شود.

## خشونت خانگی؛ قربانیان خاموش، خلأهای قانونی



## چالش‌های اثبات خشونت خانگی در دادگاه‌های ایران چیست؟



علی اصغر فریدی

یکی از نخستین موانع در مواجهه حقوقی با خشونت خانگی، نبود تعریف قانونی صریح و متمایز از این مفهوم در متون کیفری کشور است. بسیاری از اشکال خشونت خانگی به دلیل عدم برخورداری از عنوان مجرمانه مستقل، تحت عناوین کلی‌تری مانند «ضرب و جرح»، «توهین»، «تهدید»، یا «افترا» بررسی می‌شوند. این در حالی است که خشونت خانگی دارای بار معنایی خاصی است که به پیوند قدرت، اعتماد و روابط خانوادگی گره خورده است و نباید در قالب اصطلاحات عمومی فروکاسته شود.

از سوی دیگر، اثبات خشونت خانگی به دلایل متعدد برای بزه‌دیده چالش‌برانگیز است. نخست اینکه اکثر این موارد در محیط‌های بسته و بدون حضور شاهدان عینی روی می‌دهد. دوم آن که قربانی ممکن است به دلیل وابستگی مالی، ترس از تهدیدات بیشتر یا نگرانی از فروپاشی خانواده، از پیگیری قضایی منصرف شود یا در ارائه دلایل، دچار تردید و اضطراب شود. سوم آن که هنوز برخی نگرش‌های فرهنگی و سنتی در بدنه جامعه و حتی در سطوحی از رسیدگی قضایی رواج دارد که خشونت خانوادگی را مسأله‌ای خصوصی، و نه جرم عمومی، تلقی می‌کنند.

در مجموع، نبود تعریف تخصصی، فقدان دادگاه‌های ویژه خشونت خانوادگی و کمبود

خشونت خانگی از جمله پدیده‌هایی است که همزمان در حوزه‌های حقوقی، اجتماعی، روانی و فرهنگی ریشه دارد و در بسیاری از نظام‌های قضایی به عنوان یکی از جدی‌ترین اشکال نقض حقوق فردی و شهروندی شناخته می‌شود.

برخلاف تصور عمومی، خشونت خانگی صرفاً محدود به رفتارهای فیزیکی نیست، بلکه رفتارهای تحقیرآمیز، تهدیدکننده، اقتصادی، روانی و حتی محروم‌سازی‌های مکرر نیز می‌توانند مصداق خشونت باشند؛ به ویژه زمانی که در بستر رابطه قدرت نابرابر میان اعضای خانواده رخ دهند.

در نظام حقوقی ایران، به‌رغم وجود برخی ظرفیت‌های قانونی برای پیگیری و مجازات رفتارهای خشونت‌آمیز، هنوز خلأهای جدی در تعریف، اثبات، و حمایت از قربانیان این نوع خشونت مشاهده می‌شود.

مجله حقوق ما در رابطه با موضوع خشونت خانگی، مستندات آن، نحوه طرح دعوای حقوقی و نقش نهادهای امدادگر در این زمینه و بررسی ابعاد حقوقی، رویه‌ای و اجرایی آن، با نادر بارانی، وکیل دادگستری، گفت‌وگو کرده است.

آموزش تخصصی برای قضات و ضابطان قطعی، کافی نیستند.

قضایی، همه از عواملی هستند که اثبات این نوع خشونت را دشوار و گاه غیرممکن می‌کنند. و وحدت‌رویه‌های قضایی برای اعتبارسنجی این‌گونه مستندات، به وضوح احساس می‌شود.

**در چنین شرایطی، مستنداتی مانند**

**شهادت همسایگان یا پیام‌های الکترونیکی، چه اعتباری دارند؟**

قانون آیین دادرسی کیفری در ایران، در کنار ادله سنتی مانند اقرار، شهادت، و علم قاضی، استفاده از قرائن و امارات را نیز ممکن می‌داند. با این حال، همچنان در روبه قضایی، جایگاه این نوع دلایل، به‌ویژه در جرائم خانوادگی، تثبیت شده نیست.

شهادت همسایگان، اگر واجد شرایط قانونی باشد (یعنی مستند، مرتبط، و بی‌طرفانه)، می‌تواند در مقام دلیل یا حداقل قرینه مورد توجه قرار گیرد. با این حال، در عمل کمتر پیش می‌آید که همسایه‌ها حاضر به شهادت رسمی شوند؛ زیرا ملاحظات شخصی، نگرانی از پیامدهای احتمالی، و گاه بی‌اعتمادی به فرآیند قضایی، مانع از همکاری می‌شود.

در مورد پیامک‌ها، چت‌ها و مکالمات مجازی نیز وضعیت مشابهی برقرار است. این مستندات، در صورتی که با نظر کارشناسان رسمی دادگستری، انتساب آن‌ها به متهم تأیید شود، می‌تواند به عنوان امارات قضایی معتبر شناخته شوند. البته در اغلب موارد، این قبیل دلایل باید در کنار سایر قرائن بررسی شوند و به تنهایی برای صدور حکم آموزش تخصصی برای قضات و ضابطان قطعی، کافی نیستند.

بنابراین، جای خالی دستورالعمل‌های مشخص و وحدت‌رویه‌های قضایی برای اعتبارسنجی این‌گونه مستندات، به وضوح احساس می‌شود.

با توجه به اینکه در قوانین موجود، عنوان «خشونت خانگی» به‌طور خاص جرم‌انگاری نشده است، نوع و شدت رفتار ارتكابی، نوع مجازات را تعیین می‌کند. به عنوان مثال، اگر رفتار شامل ضرب و جرح عمدی باشد، ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی، مجازات حبس و پرداخت دیه را در نظر می‌گیرد. در مورد توهین یا تهدید نیز مواد قانونی جداگانه‌ای وجود دارد که بسته به وضعیت پرونده، حبس تعزیری یا جزای نقدی در نظر گرفته می‌شود.

نکته قابل تأمل آن است که در بسیاری از این موارد، به دلیل روابط خانوادگی و ضرورت حفظ بنیان خانواده، قضات تمایل بیشتری به استفاده از نهادهایی چون تعلیق اجرای مجازات، تخفیف، یا صدور احکام جایگزین دارند. این موضوع در برخی پرونده‌ها، منجر به نارضایتی قربانی و احساس عدم حمایت از سوی دستگاه قضایی می‌شود.

از طرف دیگر، قوانین مربوط به تکرار جرم یا رفتارهای خشونت‌آمیز مستمر در خانواده

به‌اندازه کافی بازدارنده نیستند. فقدان نظام نظارتی برای کنترل رفتار مجرم پس از اجرای حکم یا آزادی مشروط از عوامل تداوم خشونت در برخی پرونده‌ها است.

**نقش اورژانس اجتماعی در مواجهه با خشونت خانگی چیست و چه محدودیت‌هایی دارد؟**

اورژانس اجتماعی (با شماره تماس ۱۲۳) یکی از معدود نهادهای رسمی است که به‌طور مستقیم در بحران‌های خانوادگی، از جمله خشونت خانگی، مداخله می‌کند. این نهاد وابسته به سازمان بهزیستی کشور است و مأموریت دارد تا از طریق مداخله فوری، ارزیابی وضعیت قربانی، و ارجاع به خدمات حمایتی، از آسیب بیشتر جلوگیری کند.

بله، از منظر حقوقی، هیچ مانعی برای پیگیری هم‌زمان دو مسیر کیفری و حقوقی وجود ندارد. قربانی می‌تواند هم برای اعمال مجرمانه مانند ضرب، تهدید یا فحاشی در دادسرا شکایت کند و هم از مسیر دادگاه خانواده، برای موضوعاتی چون طلاق، حضانت، نفقه، و الزام به ترک منزل اقدام نماید.

البته باید توجه داشت که فرآیند این دو مسیر کاملاً جداگانه است و ممکن است روند رسیدگی در یکی، بر دیگری تأثیر بگذارد. به عنوان مثال، اگر در پرونده کیفری، حکم بر مجرمیت صادر شود، این رای می‌تواند به عنوان یکی از مستندات در دعوی طلاق مورد استناد قرار گیرد.

نکته مهم نیاز به راهنمایی حقوقی حرفه‌ای برای مدیریت هم‌زمان این دو مسیر است. اشتباه در طرح ادعا یا ناهماهنگی در تنظیم شکایات ممکن است منجر به تضییع حقوق قربانی شود. لذا استفاده از وکیل یا مشاور حقوقی متخصص در چنین شرایطی، بسیار ضروری است.

نیروی انسانی، عدم پوشش سراسری در مناطق روستایی یا محروم، و نبود ارتباط سیستمی موثر با دستگاه قضایی. در برخی موارد، پس از پایان مداخله اولیه، قربانی عملاً در ادامه مسیر بدون حمایت موثر، رها می‌شود.

در چنین شرایطی، بسیار ضروری است.

## خشونت خانگی در ایران؛ خانه ناامن، قانون مبهم



### علی‌اصغر فریدی

ندارند و دسته‌بندی خاصی در خصوص جرایم خشونت خانگی به معنی رفتار خشونت‌آمیز و تخطی‌هایی که خشونت خانگی نام می‌گیرند، و سلطه‌گرانه یک عضو خانواده علیه عضو یا اعضای دیگر همان خانواده است. اگرچه خشونت علیه مردان نیز قابل تحقق است، اما نمونه غالب خشونت علیه زنان و کودکان رقم می‌خورد. خشونت خانگی مصادیق متعدد و نامحدودی را پوشش می‌دهد و به صورت کلی می‌توان آن را به این صورت مورد بررسی قرار داد که هرگونه رفتار تعرض‌کننده به حریم افراد در خانواده که منجر به احساس نارضایتی شود یا احساسات ناخوشایند را به آنها تحمیل کند، در زمره خشونت خانگی قرار خواهد گرفت. مجله حقوق ما برای بررسی موضوع خشونت خانگی از منظر قوانین موجود در ایران، قربانیان خشونت خانگی، حمایت‌های قانونی از آنان، مکان‌های امن برای نگهداری آنان و همچنین نقش سازمان بهزیستی و نهادهای حمایتی در این مورد، با افشین جعفری، وکیل دادگستری، گفت‌وگو کرده است.

نشان دادگاه‌های خانواده در رسیدگی به دعاوی مربوط به خشونت خانگی چیست؟

به‌رغم رویکرد محاکم کشورهای جهان اول که دادگاه‌های خانواده در مسائل مربوط به خشونت خانگی صلاحیت رسیدگی دارند، در قوانین ایران چنین صلاحیتی به صورت مطلق وجود ندارد و دسته‌بندی خاصی در خصوص جرایم خشونت خانگی به معنی رفتار خشونت‌آمیز و تخطی‌هایی که خشونت خانگی نام می‌گیرند، نمی‌بینیم. در حقیقت، حسب نوع خشونت‌هایی که علیه قربانی اعمال می‌شود، حکم‌های متنوعی برای آن رفتار خشن پیش‌بینی شده است. البته این موضوع منوط به این امر است که آن رفتار، وفق قوانین ایران جرم‌انگاری شده باشد یا حداقل موجد حقوقی برای قربانی باشد تا بتواند با توسل به آن، شرایط خود را بهبود ببخشد. به طور مثال، موضوعی تحت عنوان تجاوز به همسر در حقوق ایران پیش‌بینی نشده است و در صورت بروز چنین امری، چنانچه آسیب‌های جسمی یا روحی به قربانی وارد نشده باشد، قابل پیگرد و مجازات نخواهد بود. اما در صورتی که آسیبی جسمی یا معنوی به قربانی وارد شده باشد، قابل پیگرد در محاکم کیفری خواهد بود.

شایان ذکر است چنانچه این آسیب‌ها به زن وارد شده باشد، از آنجایی که وفق قانون مدنی ایران، زن حق طلاق ندارد، ممکن است با احراز شرایط مشقت‌بار توسط قاضی دادگاه خانواده، آن دادگاه مرد را مجبور به طلاق همسر خود نماید.

امکان درخواست حکم منع نزدیک شدن، «حکم حفاظت» در قوانین ایران وجود دارد؟

در قوانین ایران، به‌طور مشخص و مصرح، امری تحت عنوان «حکم منع نزدیک شدن» یا «حکم

نقش دادگاه‌های خانواده در رسیدگی به دعاوی مربوط به خشونت خانگی چیست؟

به‌رغم رویکرد محاکم کشورهای جهان اول که دادگاه‌های خانواده در مسائل مربوط به خشونت خانگی صلاحیت رسیدگی دارند، در قوانین ایران چنین صلاحیتی به صورت مطلق وجود

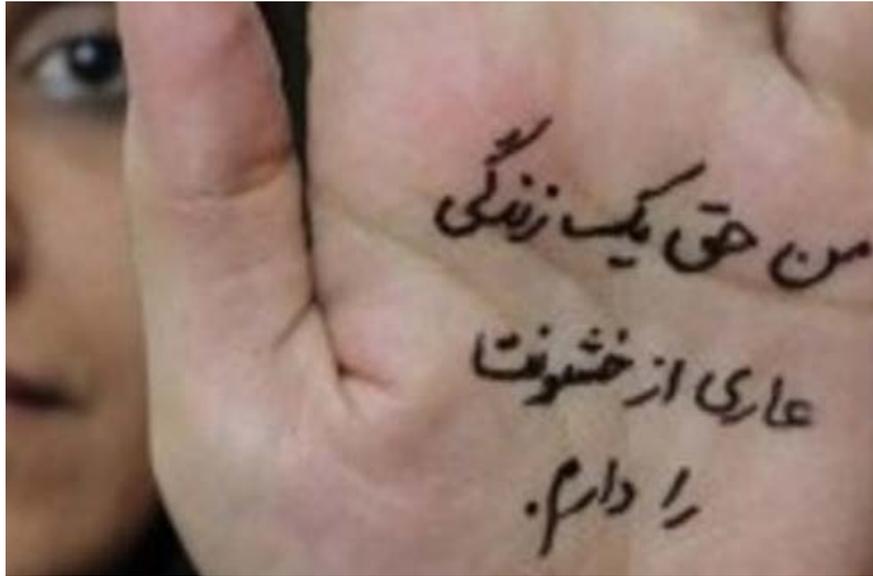
حفاظت»، مشابه برخی کشورهای اروپایی یا آمریکا، به صورت مدون در قانون مدنی یا قانون مجازات وجود ندارد؛ اما حسب شرایط، قربانی که اصولاً زن یا کودک می‌باشد، می‌تواند از ابزارهایی قانونی نظیر اخذ دستور موقت با اثبات احتمال تهدید جانی، بدنی یا روانی، از نزدیک شدن متجاوز به صورت قانونی به خود جلوگیری کند یا زن می‌تواند در روند رسیدگی با اثبات این امر که در منزل مشترک زوجین، بیم خطر جانی، حیثیتی یا مالی برای او وجود دارد، منزل مشترک را با عذر موجه ترک کند.

این در حالی است که به زن نفقه تعلق می‌گیرد و اگر مرد نفقه زن را نپردازد، حق شکایت کیفری و اقدام حقوقی برای او محفوظ است.

### آیا قربانی خشونت خانگی می‌تواند بدون رضایت شوهر از خانه خارج شود و در پناهگاه اقامت کند؟

وفق قوانین ایران، زنی که قربانی خشونت خانگی است، تحت هیچ شرایطی الزام به عدم ترک منزل مشترک با شوهر خود را ندارد و می‌تواند هر لحظه که احساس ناخوشایند تعرض یا قربانی بودن را تجربه کند، از منزل مشترک خود خارج شود و به هر مکانی که خود صلاح بداند، نقل مکان کند.

اما آنچه در این مورد باید مورد اهتمام قرار گیرد، عواقب خروج و نه صرف خروج زن از منزل مشترک است. به طور مثال، چنانچه زن از منزل مشترک بدون اثبات خشونت خانگی در



نهادهای حمایتی)، سعی در بهبود آلام خشونت‌دیدگان خانگی و قربانیان نوع جرم ارتكابی نیز قایل به تفکیک بود. این امر دارند.

اگرچه به این اهداف به نحو اعلا جامه عمل پوشانده نمی‌شود، اما به عنوان یک نهاد حمایتی، سازمانی قابل اتکاست که یا خود در صدد حل مشکل برمی‌آید یا طریقه حل مشکل را راهنمایی می‌کند یا فرد آسیب‌دیده را به نهاد مربوطه راهنمایی می‌کند.

### آیا خشونت خانگی از جرایم قابل گذشت است؟

خشونت خانگی، دارای مصادیق عدیده‌ای است که باید با تفکیک آنها، نسبت به آن سخن راند. بدین ترتیب، حسب تعرض یا آسیبی که به فرد قربانی وارد شده است، با لحاظ این امر که علاوه بر اینکه آسیب وارده، رفتاری جرم‌انگاری شده در

قوانین ایران می‌باشد یا خیر، باید در خصوص ضررهای جانی، مالی، حیثیتی و سری علیه قربانی یا بستگان او، یا نسبت دادن اعمال منفی عفت و جرایم دیگر به قربانی یا وارد آوردن آسیب‌های جسمی و روحی یا هتک شخصیت و توهین، از جمله جرایم پرتکرار در روابط خانگی خشونت‌آمیز می‌باشند که قانونگذار آنها را به موجب قانون مجازات اسلامی، قابل گذشت معرفی کرده است.

اما در برخی موارد، به واسطه تیره شدن روابط خانوادگی، جرایمی نظیر قتل، سرقت، تخریب، احتراق اموال قربانی، قدرت‌نمایی با سلاح، سلب آسایش با هیاهو و جنجال نیز متصور است که حسب مورد و شرایط تحقق جرم، ممکن است قابل گذشت یا غیرقابل گذشت باشند.

# حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم  
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:  
سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم  
سر دبیر این شماره: مریم غفوری  
تماس با مجله: [mail@iranhr.net](mailto:mail@iranhr.net)